

بسم الله الرحمن الرحيم

جریان شناسی گروه های

معاند و اوزیسون

Hadidnews.com

info@hadidnews.com

پیامک: ۳۰۰۰۱۵۹۷

برای اینکه یک نظام سیاسی پایدار بماند باید دارای ارزش‌ها و اصولی عقلی و مورد پسند جامعه و مردم باشد، تا مردم از آن حمایت نمایند و در مقابل نظام حاکم از مردم خود دفاع نموده و امنیت و رفاه آن‌ها را تامین نماید.

نظام‌های حاکم در جهان هر کدام بر اساس دیدگاه خاصی ایجاد شده و ادامه حیات می‌دهند. از طرفی هم در همان جوامع گروه‌هایی پیدا می‌شوند که بنا به عقاید خود با نظام همراه نبوده و مخالفت می‌ورزند یا به مقابله با نظام حاکم می‌پردازند.

در این مبحث به بررسی گروه‌های معاند علیه نظام جمهوری اسلامی ایران خواهیم پرداخت.

تعریف نظام:

واژه ای است که به یک تئوری یا نظریه‌ای بنام تئوری سیستم‌ها اشاره داشته، و این تئوری در چند دهه اخیر در علوم انسانی و سیاسی مورد استفاده قرار گرفته است.

۱) تعریفی که از نظام به طور مشترک بین علوم مختلف وجود دارد البته با تفاوت‌هایی این است که گردهم آمدن مجموعه‌ی اجزای متفاوتی که در تعامل با یکدیگر تحت قاعده خاصی کنار هم قرار می‌گیرند و پیکره واحدی را می‌سازند که این پیکره واحد یک هدف خاصی را دنبال می‌کند یا محصول خاصی را تولید خواهد نمود.

۲) مثلاً وقتی می‌گویید، ایران یک کشور جهان‌سومی است، در حقیقت شما به یک تئوری اشاره کرده‌اید بنام تئوری سه جهانی که آقای مائو برای اولین بار آن را مطرح کرده است.

۳) خصوصیات یک نظام به طور کلی و برجسته به شرح زیر است:

۴) هر نظام یا سیستم یا ارگان یا نهاد دارای اجزای خاص خود است.

۵) هر نظام دارای یک ورودی خاص است. مثلاً ورودی ماشین سوخت آن است.

واوژیسمون

۶- هر نظام دارای یک خروجی خاص خود است. آنچه به عنوان محصول از نظام های مختلف خارج می شود ، متفاوت از هم است. اگر در ورودی یک نظام خللی بوجود آید ، در خروجی آن هم خلل ایجاد خواهد شد.

تعاریف :

۱- محیط ؛

یعنی فضایی که اجزای آن نظام یا سیستم در آن شناور هستند. این محیط می تواند داخلی یا خارجی باشد .

- محیط داخلی

محیط داخلی یعنی فضایی که بین اجزای آن سیستم وجود دارد.

- محیط خارجی

یعنی محیطی که کل سیستم و نظام در آن محیط شناور هستند.

۲- انعطاف پذیری یا الاستیسیته یا کشسانی ؛

به قدرت انطباق جزء و یا کل از یک سیستم ، با محیط گفته می شود .

هر نظام دارای یک ضریب کشانی یا انطباق است ، که هر چه این ضریب بالاتر باشد، قدرت استمرار این نظام بیشتر خواهد بود و بالعکس.

۳- کنترل ؛

هر نظامی دارای یک جزء کنترل کننده است ، که همه ی اجزا را کنترل می کند . این کنترل کننده یک جزء هشدار دهنده نیز می باشد.

۴- تهدید ؛

اپوزیسیون

عواملی که تعادل نظام را به هم می‌زنند تهدیدی برای هر نظام بوده و آن سیستم را به چالش می‌کشند.

۵- باز خورد یا **feed back** ؛

یعنی تأثیر خروجی بر ورودی، بدین معنا که محصول تولیدی یک سیستم، چه بازتابی در جامعه دارد.

لذا بر اساس آن می‌آیند کار سیستم را تنظیم یا تغییر می‌دهند.

۶- زاویه دید ؛

در علوم سیاسی و انسانی و ... بحث مهمی بنام زاویه دید، وجود دارد که تأثیر جدی در همه مسائل می‌گذارد.

مثال: اگر چند گل در یک جا وجود داشته باشد از چند نفر می‌پرسند چند گل می‌بینی، یکی می‌گوید

: ۸ عدد، یکی می‌گوید: ۷ عدد و ... هر کسی از یک نظر یا زاویه دید خود اعلام نظر می‌کند، یکی

از لحاظ رنگ، یکی از لحاظ بو، دیگری از لحاظ شکل می‌گوید. این نشان می‌دهد که یک پدیده

دارای زوایای مختلفی است.

در اینجا هم جریانات را از زوایای مختلف بر اساس مدل‌ها دسته‌بندی می‌کنیم:

- کلیت نظام جمهوری اسلامی را در یک نماد سه ضلعی نشان می‌دهیم

در یک ضلع پرسنل سیاسی قرار دارد یعنی مسئولان تراز اول

در ضلع دیگر تصمیمات و سیاست‌های کلان نظام

در ضلع سوم بنیادهای نظری و بنیادهای ارزشی

مسئولان تراز اول تصمیمات کلان

بنیاد های نظری

بر اساس سه ضلع بالا جریانات سیاسی اجتماعی را دسته بندی می کنند:

۱- جریاناتی که هر سه ضلع را قبول دارند. حداکثر افراد سیاسی را قبول دارند. چنین جریاناتی را جریانات محافظه کار می گویند.

در روان شناسی سیاسی ، رفتار سیاسی و رفتار جمعی سیاسی گروهها ، و تشکل ها ، واحزاب و دسته ها در نظام را ، مورد بحث و بررسی قرار می دهند لذا در این مطالعات ، دسته جات سیاسی به تیپ های مختلف رفتار سیاسی تقسیم بندی می شوند . یکی از این تیپ ها، رفتار سیاسی محافظه کاری است.

محافظه کاری، در تیپ رفتار سیاسی یعنی رفتار سیاسی ای که وضع موجود را برمی تابد، وضع موجود را تایید می کند، دنبال تغییر و دگرگونی وضع موجود نیست . در واقع در این جا به معنی محافظت وضع موجود است.

۲- جریاناتی که هم با پرسنل سیاسی و هم با تصمیمات و سیاست ها (با دو بعد) مخالفند این جمعیت ، جمعیت اصلاح طلبند.

تیپ دیگری که عکس محافظه کاری است مثل رادیکال که دگرگون طلب است. رفتار سیاسی جمعی آنها اصلاح طلبی است که به دنبال دگرگونی همه جانبه نیست اما دنبال دگرگونی های جزئی است. در واقع یک رفتار سیاسی دیگری است ، که لیبرال بوده و رفتار سازشکارانه دارد.

۳- جریاناتی که با هر ۳ بعد مخالفند از لحاظ تیپ شناسی رادیکال یا شورشی یا برانداز می گویند.

اپوزسیون

مدل بعدی از یک جامعه شناس معروف بنام رابرت مرتون است که جریانات را بر اساس کار کردی و ناکارکردی در جامعه یا هنجار و ناهنجاری در جامعه دسته بندی کرده است که ما این مدل را بر اساس جامعه خودمان اصلاح و بومی می کنیم .

مدل اصلاح شده مرتونی:

دو پارامتر در این مدل وجود دارد؛

الف: هدف: یعنی اهدافی که نظام جمهوری اسلامی به دنبال آن است.

ب: وسیله: یعنی نظم و تنظیماتی که به صورت قانون و نظم اجتماعی بر جامعه حاکم شده است.

بر اساس این دو پارامتر جدولی رسم می کنیم تا جریانات اجتماعی را تقسیم بندی کنیم :

جریانات هدف وسیله گروه

A + + گروه های هم گرا

B + - گروه های افراطی یا نیمه هم گرا

C - + اپوزسیون قانونی یا نیمه هم گرا

D - - گروههای شورشی و برانداز یا ناهم گرا

نماد پذیرش: +

نماد رد کردن: -

حال بر اساس همین مدل پارامترها را عوض می کنیم.

جریان‌ات اسلامیت جمهوری

الف + + گروه‌های هم‌گرا

ب + - گروه‌های نیمه‌هم‌گرا

ج - + گروه‌های نیمه‌هم‌گرا

د - - گروه‌های واگراوشورشی

توضیح جدول :

جریان‌ات حاضر در انقلاب مشروطیت .

۱- جریان ناسیونالیسم به معنای ملیت پرستی و ملی‌گرایی است .

در زمان مشروطیت سردمداران ناسیونالیسم زین العابدین مراغه‌ای بود. مثلاً در آلمان ناسیونالیسم افراطی به صورت نازیسم ظهور پیدا کرد، در ایتالیا به صورت فاشیسم و...

۲- لیبرالیسم به معنای آزادی خواهی است .

جریان لیبرالیسم در انقلاب مشروطیت ایران ، توسط میرزا ملکم‌خان که در فرانسه تحصیل کرده بود و افرادی همچون طالب‌زاده یا طالب‌اوف و آخوندوف هدایت می‌شد.

۳- دموکراسی = مارکسیسم

افرادی در مشروطیت مثل آقای اسکندری که لیدر این جریان بود و حیدر خان و سلطان‌زاده ادامه‌دهندگان آن بودند.

۴- تجدد خواهی یعنی نو خواهی و نو‌گرایی.

پوزیسون

این گروه تأکید افراطی بر غرب‌گرایی داشتند. سردمدار این جریان سید حسن تقی زاده بود که کورکورانه از غرب تقلید می‌نمود.

۵- جریان‌ات اسلامی زمان مشروطیت؛

۵/۱ - مکتب سامرا،

افراد این جریان پیروان مکتب میرزای شیرازی بودند که یک مرجع عام بود و چون در شهر سامرا زندگی می‌کرد از سامرا به عنوان کد این مکتب استفاده شده است. نماینده این مکتب در انقلاب مشروطه آقای شیخ فضل‌الله نوری بود. این مکتب دارای اصولی به شرح زیر است.

• خصوصیات مکتب سامرا:

الف: باز شناسی سیاست در شریعت اسلام (در این مکتب اصل بر شریعت است که سیاست در آن جای دارد).

ب: ولایت فقیه، حکومت مورد قبول شیعه در زمان عینیت امام زمان علیه السلام

ج: اولویت مشروعیت بر مقبولیت یا جمهوریت

د: اصل اصالت وظيفه یا تکلیف

ه: ایجاد حکومت تام و تمام اسلامی

۵/۲ - مکتب نجف،

افراد این جریان پیروان مکتب آخوند خراسانی بودند، لذا با توجه به اینکه آخوند در نجف زندگی می‌کرد این جریان را مکتب نجف می‌نامیم.

خصوصیات مکتب نجف:

الف: باز شناسی شریعت در سیاست ، (در این مکتب موضوع اصلی سیاست است و شریعت در آن جای دارد)

ب: اصل وکالت فقیه (یعنی فقیه از طرف مردم و در چارچوب نقطه نظرات موکل عمل می کند).

ج: اصل اصالت ساخت و چارچوب حکومت اهمیت بیشتری دارد و اولویت اول است.

د: اولویت مقبولیت بر مشروعیت یعنی اول پذیرش مردم بعد شرع

ه: اصل حکومت حد مقدور ، یعنی در زمان غیبت فقط در حد مقدور می توان تشکیل حکومت داد و در حد تمام و تام نمی توان.

۵/۳ - جریان اتحاد اسلام

این جریان توسط آقای سید جمال الدین اسد آبادی بنانهاده شد که سه شعار اصلی دارد:

الف: بازگشت به قران

ب: مبارزه همه جانبه با استعمار

ج: اتحاد جوامع اسلامی

۵/۴ - مکتب قم ،

مکتب قم به مکتب امام خمینی (ره) می گوئیم که تلفیقی از دو مکتب سامرا و نجف است .

حال به بررسی این می پردازیم که انقلاب اسلامی بر اساس کدام یک از این مکاتب پایه گذاری شده و همچنان ادامه دارد.

مکتب نجف : مکتب سامرا

اپوزیسیون

مکتب قم :

شعار اصلی مکتب قم : استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی

خصوصیات این مکتب :

الف : باز شناسی سیاست در شریعت و باز شناسی شریعت در سیاست . (دیانت ما عین سیاست ما ،

سیاست ما عین دیانت ما)

ب: ولایت فقیه حکومت مورد قبول شیعه در زمان غیبت

ج: مقبولیت یا جمهوریت و اسلامیت در یک رتبه از ارزش قرار دارند.

د: هم ساخت حکومت مهم است وهم وظیفه و موظف به اجرای احکام اسلامی می باشد .

ه : حکومت تام و تمام منتها با یک سرعت خاصی .

رویکرد ها نسبت به دین :

۱- رویکرد دینی

۲- رویکرد غیر دینی یا سکولار

۳- رویکرد های ضد دین یا الحادی

رویکرد های دینی

الف - رویکرد دینی اصولگرائی یعنی تمام فعالیت ها بر اساس اصول و پایه و مبنای دین باشد . (

رویکرد پایه گرا یا اورتودوکس)

ب - رویکرد ایدئولوژیکی به دین دارد.

ج - رویکرد دینی دموکراتیک ، رویکرد دموکراتیک به دین دارد .

الف - رویکرد اصول‌گرائی

• وجوبی (حکومت اسلامی و دینی را بر می‌تابند)

• امتناعی (در زمان غیبت امام عصر عیج حکومت دینی را قبول ندارند و نظرشان این است که نباید وارد مسائل سیاسی شد .)

ب- رویکرد ایدئولوژیک به دین

اسلام را در چارچوب ایدئولوژی‌های مطرح در دنیا می‌بینند (ایدئولوژی‌های مطرح در دنیا شامل ناسیونالیسم ، لیبرالیسم ، مارکسیسم و ... می‌باشند) ایدئولوژی‌های مذکور دارای سه بخش یا جز هستند .

ابعاد ایدئولوژی :

۱- بخش فلسفی یا جهان‌بینی ، به نحوه‌ی نگرش به جهان و انسان گفته می‌شود .

۲- بخش اخلاقی به حوزه رفتاری و کرداری بر می‌گردد . (باید ها و نباید ها)

۳- بخش سیاسی در این مبحث به چارچوب و مدل اداره‌ی جامعه می‌پردازند.

در نهایت با رویکرد فوق ، اسلامی‌التقاتی بنا می‌شود تا استکبار بتواند به اهداف خود نائل آید .

هدف این گروه از متفکرین مطرح ساختن اسلام به عنوان یک ایدئولوژی وهم‌ساختن آن با

ایدئولوژی‌های دیگر است . (ایدئولوژی‌های مطرح شده تفکر انسانی هستند در صورتی که اسلام

تفکر و ساخته بشر نیست)

ج- رویکرد دموکراتیک به دین :

دین را بر اساس چارچوب دموکراتیک و مردم‌سالاری می‌دانند.

خصوصیات رویکرد های دینی :

الف: رویکرد اصول‌گرای و وجوبی

پوزسیون

• شریعت گرا: بر اساس شریعت و فقه عمل می‌کنند.

• غرب ستیز

• مدرنیته را بر نمی‌تابد: یعنی مکتب اخلاقی خاصی که به عنوان مدرنیته و مدرنیسم مطرح است را قبول ندارد ولی با مدرنیزاسیون مخالف نیست.

+ مدرنیزاسیون: یعنی مدرن کردن، نوسازی، نوکردن صنعت، نو کردن روش‌های مدیریتی

+ مدرنیته و مدرنیسم مکتب هستند یعنی چارچوب خصوصیات اخلاقی و رفتاری و انسانی هستند که از پشرفت تکنیک و صنعت نتیجه گرفته شده است. از جمله حس‌گرایی، سکولار،

مدرنیسم یعنی مکتب پرستش‌نو‌گرایی

مدرنیته به مفهوم چارچوب ایدئولوژی است.

ب: خصوصیات رویکرد ایدئولوژیک؛

• بعضاً شریعت‌گرا است.

• غرب‌ستیز نیست ولی منتقد است.

• منتقد مدرنیته است.

• حکومت اسلامی را مشروط قبول دارد.

ج: رویکرد دموکراتیک؛

• شریعت‌گرا نیست

• غرب‌ستیز نیست و برای انطباق در چارچوب جهانی غرب تلاش می‌کند.

• مدرنیته را بر می‌تابد و بحث سنت و مدرن را مطرح می‌کند.

• حکومت اسلامی را هم بر نمی‌تابد و به دنبال حکومت سکولارند.

د- رویکردهای غیر دینی یا سکولار؛

• جدایی دین از سیاست و حکومت یک امر این جهانی و عرفی است.

گروه‌های مطرح این رویکرد شامل:

گروه‌های سلطنت طلب مشروطه خواه

ناسیونالیست‌ها، ملی‌گراها مثل حزب جبهه ملی

۴- رویکرد‌های ضد دین یا الحادی نه تنها نسبت به دین بی طرف نیستند و بلکه آن را مانع و مخل

فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و انواع ترقی بشر می‌دانند. از جمله: گروه‌های مارکسیستی به دلیل

پایه و اساسی که در مبانی فلسفی شان دارند. مانند کلام معروف کارل مارکس که می‌گوید دین افیون

ملت‌هاست. دین ستم طبقاتی است و ... و با دین به عنوان مخل پشرفت مبارزه می‌کنند.

گروه‌های مارکسیستی که در جامعه ما هستند مثل: حزب توده، چریک‌های فدایی خلق (اکثریت و

اقلیت)، راه کارگر، حزب کمونیست کارگری، حزب رنجبران و حزب طوفان می‌باشند.

یک گروه سلطنت طلب هم هستند که مبارزه زیر بنایی با دین می‌کنند.

عرفان طبیعت‌گرا: مادیت و طبیعت

فمینیسم: femen\female به معنای زن گرایی، ترجیح زن بر مرد

موج اول - ماری کرافت (خواست حقوق مدنی)

موج دوم - سیمون دیوار برزی

موج سوم - مارگارت مید الغارحست

اپوزیسیون

شیطان پرستی به چند شاخه تقسیم می‌شود که حرف اصلی و خلاصه شده‌ی آن، این است که همه دین‌ها و مقدسات در طول تاریخ شکست خوردند و همیشه دین‌داران در اقلیت اند. پس قدرت شیطان بیشتر است و ما به سمت آن می‌رویم.

شاخه تاریخی شیطان پرستی دنباله جریان پرستش از ارواح خبیثه است.

شیطان پرستی جدید فلسفی که مضمون مادی‌گرایانه‌ی اومانیستی غرب است که به این شکل در آمده است. مثلاً: فردی کلیسا ساخته و انجیل شیطانی نوشته است.

شاخه دیگر شیطان پرستی بنام شر پرستی: پرستش تمام اعمالی که به عنوان شرارت و به عنوان پستی و رذالت در کلیسا مطرح می‌شود بر ایشان ممدوح است. مثل: خونخواری، استفاده مواد مخدر در اندازه زیاد و موسیقی‌های حاد و شهوت رانی.

کابالیسم شاخه‌ای از عرفان یهودی است که به نوعی به شیطان پرستی نزدیک شده است.

عرفان صفت گرا: معنویت و روحانیت را از عرفان جدا و یک، سیر مادی برای سلوک در نظر می‌گیرد.

برای شناخت گروه‌های معاند و احزاب اپوزیسیون و این که این معانی بر چه کسانی بار می‌شود یا در حقیقت اپوزیسیون کیست؟ و چرا به آنها اپوزیسیون اطلاق می‌گردد لازم است ابتدا تعریفی دقیق و همه‌جانبه از آن ارائه داده تا بتوانیم به راحتی مصداق‌های آن را شناسایی و مورد بررسی قرار دهیم.

هر تعریف دارای دو ویژگی مهم و کلی است. به عبارت دیگر هر تعریفی باید جامع و مانع باشد. جامع یعنی اینکه تعریف همه مصداق خود را در بر گیرد و مانع یعنی اینکه آن تعریف به گونه‌ای باشد که هیچ مصداق غیر خودش را در خود راه ندهد.

برای روشن تر شدن مسئله به این مثال توجه کنید:

چنانچه در خصوص تعریف "انسان" گفته شود "انسان حیوان است" این یک تعریف جامع می باشد زیرا تمامی انسانها حیوان هستند لکن تعریف مانعی نیست زیرا سایر حیوانات دیگر را مشمول خود نموده است که انسان نیستند. اما اگر در تعریف انسان گفته شود "انسان حیوان ناطق ضاحک است" چنین تعریفی یک تعریف جامع و مانع است و در حقیقت کامل می باشد.

در مورد تعریف اپوزیسیون نیز چنین است اگر تعریف ما از اپوزیسیون جامع و مانع نباشد در تشخیص مصادیق آن دچار مشکل شده و اختلاف دیدگاهی در مورد افراد، احزاب و جریانات از آن ناشی خواهد شد. بنابراین ارائه یک تعریف دقیق و کامل برای پرهیز از اختلافات ضروری به نظر می رسد. البته بر همین اساس افراد سیاسی، جناحی و رسانه ای از کلمه اپوزیسیون به غلط در غیر جای خود استفاده نموده و تلاش می کنند سایر احزاب و گروهها را با این کلمه از میدان به در کنند. با عنایت به اینکه اپوزیسیون دارای بار منفی بوده می تواند این مسئله تبعات زیادی را برای جامعه به دنبال داشته باشد.

۱- تعریف اپوزیسیون:

تعریفی که از اپوزیسیون مورد نظر ماست به شرح زیر می باشد.

"به هر فرد، گروه، حزب، دسته، جمعیت، فکر، مرام که مخالف نظام حاکم بوده و برای براندازی آن تلاش و فعالیت نماید اپوزیسیون گفته می شود."

در این تعریف سه نکته اساسی لحاظ گردیده است:

الف: در این تعریف "تعداد" (کمیت) ملاک نمی باشد، ممکن است در یک نظامی یک نفر بدون اینکه در ابتدا دارای حزب و گروه و تشکیلات باشد اپوزیسیون نظام بوده و در جهت مخالفت با آن فعالیت نماید. بنابراین در نظامهای گوناگون تعداد افراد اپوزیسیون آن نظام ممکن است متغیر باشد در نتیجه هر

اپوزیسیون

نامی که برای تعدادی از اپوزیسیون نظام‌ها گذاشته شود می‌تواند در این تعریف گنجانده شود از قبیل سازمان، انجمن، هیئت و ...

ب: هر نظامی که در عرصه بین‌المللی تشکیل می‌شود فارغ از اینکه آن نظام دارای چه ایدئولوژی و یا گرایش فکری سیاسی بوده و چه دیدگاهی دارد همه این نظام‌ها بلا استثناء دارای یک چارچوب و هدف هستند. افراد، گروه‌ها و احزابی هستند که درون این چارچوب با یکدیگر رقابت می‌کنند و در نتیجه این رقابت هر از چندی یک گروه دولت‌حاکم بر آن نظام را در دست می‌گیرد.

دولت یک تیم از افراد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... هستند که دارای برنامه و دکتترین بوده و معتقد این برنامه و دکتترین اهداف نظام را پیش خواهد برد و در نتیجه تبلیغات، مردم به آنها رای داده و دولت را به آنها می‌سپارند. از سوی دیگر گروه‌ها و احزاب دیگر در درون همان نظام و از همان ابتدا با برنامه‌های دولت حاکم مخالفت می‌کنند و معتقدند که برنامه‌ها و دکتترین آنهاست که اهداف و چارچوب نظام را به پیش خواهد برد. لذا ضمن مخالفت قانونی با دولت، برنامه‌های خود را تبلیغ می‌کنند و چندی بعد ممکن است مردم به برنامه‌های آنها رای دهند و دولت را به آنها بسپارند. در حقیقت به این احزاب و گروه‌ها که در چارچوب یک نظام با یکدیگر رقابت می‌کنند اپوزیسیون گفته نمی‌شود. بلکه آنها رقیب یکدیگر هستند. به عنوان مثال: در نظام ایالات متحده آمریکا هنگامی که حزب جمهوری خواه دولت را در دست دارد از همان ابتدا حزب دمکرات با برنامه‌ها و دکتترین حزب جمهوری خواه مخالفت کرده و برنامه‌های خود را تبلیغ می‌کند در نتیجه ممکن است چهار یا هشت سال بعد حزب دمکرات با رای مردم سکان دولت را در دست بگیرند و این چرخه همین‌طور ادامه پیدا می‌کند.

در نظام جمهوری اسلامی نیز مدتی دولت دوران جنگ سکان هدایت دولت را در دست گرفت و بعد از مدتی با رای مردم دولت سازندگی، بعد از مدتی دولت اصلاح‌طلبان و چندی بعد دولت اصول‌گرا و بعد از آن ممکن است دولت دیگری با رای مردم قدرت دولت را در دست بگیرد. هر کدام از دولتهای

واپوزیسون

فوق که مشغول هدایت دولت هستند ممکن است سایر گروهها در چارچوب قانونی با دولت وقت مخالفت‌هایی را اعمال نمایند. بنابراین به این گروهها و احزاب، اپوزیسیون اطلاق نمی‌شود بلکه همانطور که گفتیم به آنها رقیب گفته می‌شود. اما احزاب و گروهها و دسته‌هایی هستند که مخالفت با دولت فقط ملاک عمل آنها نیست. این گروهها با اصل و اساس نظام مخالفت می‌کنند و در صدد هستند که نظام حاکم را سرنگون کرده و یک نظام جدید را در کشور خود حاکم گردانند. مثلاً: در کشور ترکیه که نظام لائیک حاکم است برخی از گروهها و احزاب تلاش می‌کنند که نظام لائیک ترکیه را از بین برده و یک نظام اسلامی جایگزین آن نمایند. بنابراین نتیجه می‌گیریم اپوزیسیون به افراد و احزاب و گروه‌هایی اطلاق می‌شود که مخالفت خود را بر پایه مخالفت با اصل و اساس نظام موجود گذاشته باشند و در صدد باشند که نظام جدیدی را پایه‌ریزی نمایند.

ج: یکی از نکات مهم در این تعریف بحث مهم فعالیت می‌باشد. فعالیت مورد نظر در این تعریف عبارت است از هر نوع اقدامی که در جهت براندازی نظام حاکم پی‌ریزی شود خواه این فعالیت یک اطلاعیه، یک سخنرانی و یا یک مصاحبه باشد، خواه یک اقدام ترور یا بمب‌گذاری و یا اقدام براندازانه.

همه این اقدامات به عنوان فعالیت علیه نظام حاکم تلقی خواهد شد. در اینجا ممکن است این شائبه پیش آید که آیا هیچ فرقی بین یک مصاحبه یا سخنرانی و یک اقدام بمب‌گذاری و ترور به عنوان فعالیت علیه نظام وجود ندارد؟

در جواب باید گفت که خیر. هیچ فرقی از نظر اطلاق فعالیت بر این اقدامات وجود ندارد زیرا همه آنها اقداماتی است که علیه نظام حاکم با نیت و در جهت براندازی صورت گرفته است.

اپوزیسیون

تنها فرقی که در این نوع فعالیتها وجود دارد نوع برخورد با کسانی است که این اقدامات را انجام داده اند مثلاً: ممکن است کسی که یک اطلاعیه و یا مصاحبه و یا سخنرانی علیه نظام حاکم انجام داده است از طرف دستگاههای ذی ربط احضار و در یک محیط دوستانه با آنها صحبت شده و آنها را متنبه کرده و سپس آزاد نمایند. اما در اقداماتی مانند ترور و یا بمب گذاری، اقدام کنندگان با احکامی همچون زندان طویل‌المدت و یا اعدام روبرو می‌شوند. از طرف دیگر در بعضی از مواقع و برخی از نظامها ممکن است همین اطلاعیه یا مصاحبه و یا سخنرانی در جهت براندازی بتواند آن نظام را با مشکلات عدیده و متمادی روبرو نماید و اقداماتی مانند ترور و بمب گذاری وحدت آحاد آن نظام را بیشتر نماید.

در پایان بحث "تعریف" یک نکته قابل ذکر است و آن اینکه اولاً همه اپوزیسیون‌ها که با نظام حاکم مخالفت می‌کنند طبیعتاً با دولت حاکم هم مخالف هستند. ثانیاً این تعریف فقط در کشورهایی که دارای نظامهای چند حزبی هستند صادق است. در کشورهای تک حزبی مشخص است هر کس با دولت حاکم مخالف باشد بدان معنی است که با نظام حاکم هم مخالف است زیرا دولت و نظام نعل به نعل تابع هم هستند.

۲- طبقه بندی اپوزیسیون بر اساس خواستگاه فکری :

سال ۱۳۷۰ یک نقطه عطفی در بررسی و شناخت اپوزیسیون جمهوری اسلامی است همانطور که می‌دانیم دهه ۷۰ از اهمیت خاصی برخوردار است هم برای نظام ما و هم برای نظام بین‌الملل. تغییر و تحولاتی که قبل و بعد از دهه ۷۰ روی داده است اهمیت این موضوع را دو چندان می‌کند. بنابراین محور بحث ما از این به بعد به قبل و بعد از دهه ۷۰ تقسیم بندی می‌گردد. قبل از دهه ۷۰ نظام بین‌الملل به دو قطب عمده دسته بندی می‌شد. یک قطب، نظام سرمایه داری و کاپیتالیسم به سرمداری آمریکا و جهان غرب و قطب دیگر نظام کمونیسم به سرمداری کشور شوروی سابق و اقمار آن.

واوژیسیون

احزاب و گروه‌های اپوزیسیون کشور ما نیز به پیروی از سایر اپوزیسیون کشورهای دیگر هر کدام به لحاظ ساختار فکری به یکی از این دو قطب وابسته بودند و آبشخور فکری و عقیدتی آنها از یکی از این دو قطب پیروی می‌کرد. با این توضیح به طور عموم می‌توان گروه‌های اپوزیسیون را به دو دسته کلی تقسیم بندی نمود.

الف: گروه‌های معروف به چپ : مانند چریک‌های فدایی خلق (اقلیت و اکثریت) حزب کمونیست ایران ، سازمان انقلابی پیکار، سازمان انقلابی راه کارگر ، حزب توده و ... و همه گروه‌هایی که مرام آنها کمونیستی و چپ بود را می‌توان در این دسته وارد نمود.

ب: گروه‌های معروف به راست : مانند سلطنت طلبان ، درفش کاویانی ، جبهه ملی ، گروه بختیار، نهضت آزادی و ... و همه گروه‌هایی که دارای مشی و مرام کاپیتالیستی و یا سرمایه داری و یا لیبرال دموکراسی باشند را می‌توان در این تقسیم بندی جای داد.

در این میان گروه‌هایی از اپوزیسیون هم وجود داشتند که در حله اول در هیچ یک از طبقه بندی فوق قرار نمی‌گرفتند مانند گروه فرقان لیکن چنانچه هر یک از این گروه‌ها که در مقابل نظام مقدس جمهوری اسلامی ایستاده اند را واکاوی و بررسی نماییم قطعاً در یکی از تقسیم بندی فوق قرار خواهند گرفت.

۳- تغییرات اپوزیسیون قبل و بعد از دهه ۷۰ :

در این بخش به تغییر و تحولاتی کلی اپوزیسیون پرداخته خواهد شد.

الف: تغییر ساختار تشکیلاتی از سلسله مراتبی به گروهی

قبل از دهه ۷۰ ساختار تشکیلاتی اکثریت گروه‌های اپوزیسیون به صورت سلسله مراتبی بود بدین معنی که در راس هر گروه یک قوه عاقله (متشکل از یک یا چند نفر) قرار می گرفت، این قوه عاقله در برخی از گروهها رهبر یا دبیر کل، هیئت سیاسی، هیئت اجرایی، شورای مرکزی و یا ... نامیده می شد. این قوه عاقله دارای چند زیر مجموعه بود و هر کدام از این زیر مجموعه نیز خود به زیر مجموعه های کوچکتر تقسیم می شدند و به همین ترتیب این زیر مجموعه ها ادامه پیدا می کرد تا به افراد می رسید در این ساختار اغلب تصمیم گیری ها در قوه عاقله انجام و به عنوان دستور و بخشنامه به زیر مجموعه های مربوطه ارجاء و در انتها افراد آن را اجرا می کردند. از سوی دیگر افراد و اعضای سازمان مجاز نبودند نظرات شخصی خود را به مرحله اجرا بگذارند زیرا در این صورت بر خلاف دستور تشکیلات مطبوع خود رفتار کرده بودند و مورد برخورد تشکیلات قرار می گرفتند. اما بعد از دهه ۷۰ این روش به کلی منسوخ و ساختار تشکیلاتی آنها از سلسله مراتبی به گروهی تغییر کرد بدین ترتیب که همه اعضای رسمی سازمان ضمن برخورداری از حق رأی می توانند در همه تصمیم گیری های سازمان مشارکت داشته باشند و در این صورت رأی اکثریت اعضا ملاک عمل قرار می گیرد وقوه عاقله می بایست رأی اکثریت را اجرا نماید.

ب: تغییر شیوه فعالیت از عمدتاً مخفی به کاملاً آشکار

قبل از دهه ۷۰ فعالیت اکثریت اپوزیسیون به صورت مخفیانه انجام می گرفت. خانه های تیمی، اجرای قرارها، نوشتن مقاله ها، اماکن تشکیلاتی و اسامی اعضای سازمان اکثراً به صورت مخفی و با پوشش انجام می گرفت به عنوان مثال: چنانچه قرار بود در خصوص یک مسئله مثلاً "جنگ" اطلاعیه پخش

واوژیسمون

شود تصمیم‌گیری در خصوص محتویات اطلاعیه، بخش مربوطه، عوامل پخش، زمان پخش و چگونگی پخش اطلاعیه همه و همه به صورت مخفیانه انجام می‌گرفت. تمامی مسائل سازمان بر همین اصول استوار بود. اما بعد از دهه ۷۰ این مسائل کاملاً تغییر نمود و اکثریت مسائل سازمانی صورت کاملاً آشکار به خود گرفت. اسامی مستعار از بین رفت و اسامی واقعی اعضای سازمان جای آن را گرفت، تصاویر اعضای اصلی سازمانها بر روی رسانه‌ها و اینترنت منتشر شد، جلسات سازمانها با حضور اصحاب رسانه‌ها و نماینده سایر گروهها تشکیل و اطلاعیه با نام و امضاء نویسنده آنها منتشر شد. به صورت کلی سازمانها و اعضای آنها تلاش نمودند که کلیه فعالیتهای آنها آشکار و در سایتها و رسانه انعکاس علنی پیدا کند.

ج: تغییر فعالیت از شیوه براندازی سخت به براندازی نرم

قبل از دهه ۷۰ فعالیت اپوزیسیون در قالب براندازی سخت صورت می‌گرفت. حمل سلاح، کپسول سیانور، قرارهای مخفیانه، تعقیب و ضد تعقیب همه و همه از مواردی بود که اعضای سازمانهای اپوزیسیون به شدت آنها را رعایت و جزء لاینفک اصول تشکیلاتی آنها بود.

از جمله موارد دیگر تشکیل تیمهای عملیاتی، تشکیل بخشهای مخفی و ... را می‌توان نام برد. اما بعد از دهه ۷۰ گروههای اپوزیسیون از این مسائل دست برداشتند و به تأسیس انجمنهای علمی گوناگون، برگزاری کلاسهای آموزشی در تمامی زمینه‌ها برای اعضای سازمان و حتی سایر اعضای جامعه پرداختند. آنها سعی نمودند از امکانات شهری و اجتماعی که به صورت قانونی می‌توانستند فراهم کنند استفاده نموده نگاه و بخشی از جامعه را به سوی خود معطوف دارند.

حال اینکه تفاوت‌های براندازی نرم و سخت چیست؟ هر کدام از این دو روش چه محاسن و چه معایبی دارد؟ شیوه‌ها و روشهای هر کدام چیست؟ تأثیر هر کدام از این روشها در جامعه و آحاد آن به چه

اپوزیسیون

کیفیتی می‌باشد؟ بحثی است که پرداختن به آن مقوله‌ای دیگر را می‌طلبد که می‌توان آن را در مباحثی همچون جنگ نرم و براندازی نرم پیگیری نمود.

د: تغییر گرایش فعالیت از سلولی به اتحاد و ائتلاف

سازمانها و گروههای اپوزیسیون در قبل از دهه ۷۰ هر کدام به صورت سلولی یا مستقل عمل می‌کردند بدین معنی که هر گروهی خود را به تنهایی آلترناتیو جمهوری اسلامی می‌دانست و تلاش می‌کرد که ضمن سرنگونی جمهوری اسلامی نظام مورد علاقه خود را جایگزین آن نماید. این مسئله در اطلاعیه‌ها، مقالات و نشریات آنها به صورت روشن بیان می‌گردید. به عنوان مثال: حزب توده معتقد بود که تنها آلترناتیو و جانشین نظام جمهوری اسلامی گروه متبوع آنها می‌باشد و همه تلاش خود را معطوف این مسئله می‌کرد و هیچیک از آنها حاضر نبودند حتی در تئوری هم که شده سهمی برای سایرین قائل شوند. بررسی این مسئله که این نظریات تا چه حد با شرایط ایران اسلامی مطابقت دارد و تا چه میزان می‌توانند همراهی مردم و جامعه را به دنبال خود داشته باشند از جمله مباحثی است که معمولاً یا به آن نمی‌پرداختند و یا توهم گونه می‌پنداشتند که زمینه راه اندازی چنین نظامهایی در ایران فراهم است.

اما با گذشت زمان و مهاجرت اجباری اعضا و کادرهای این گروهها به خارج از کشور آنها را از خواب خرگوشی بیدار نمود و یخهای فکری آنها باز شد در نتیجه به سمت اتحاد های مختلف گرایش پیدا نمودند. گروههای چپ سعی کردند از اختلافات جزئی چشم پوشی نموده و بستر را برای یکپارچه کردن گروههای هم سو فراهم نمایند، بدین ترتیب گروههای مانند سازمان اکثریت، سازمان جمهوری خواهان ملی، حزب دمکراتیک مردم ایران و بخشی از اعضای گروهک کشتگر، اتحاد جمهوری خواهان ایران "آجا" را راه اندازی نمودند. گروهی دیگری از سازمانهای چپ مانند بخشی از حزب توده، سازمان اقلیت، سازمان انقلابی راه کارگر، حزب کمونیست ایران و ... اتحاد جمهوری خواهان

واوژیسون

لائیک را برپا نمودند، در طیف گروه‌های راست، سلطنت‌طلبان، جبهه ملی و مشروطه خواهان پادشاهی، سازمان جمهوری خواهان را سازماندهی کردند.

مجدداً با گذشت زمان و عدم کارایی این اتحادها و مخصوصاً بعد از حمله آمریکا به عراق و افغانستان قوه عاقله گروه‌های اپوزیسیون به این نتیجه رسیدند که کلیت اپوزیسیون گذشته از همه اختلاف نظرهایی که با هم دارند یک نقطه اشتراک در میان آنها وجود دارد و آن براندازی نظام جمهوری اسلامی است لذا با رهنمود عوامل سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا، انگلیس و اسرائیل حول محور مشترک براندازی نظام با یکدیگر ائتلاف نمودند یعنی گروه‌هایی که قبل از دهه ۷۰ کاملاً با هم مرزبندی داشته و اصطلاحاً سایه همدیگر را با تیر می زدند در یک جبهه واحد علیه نظام وارد مبارزه شدند که نمونه عینی آن را در وقایع تیرماه سال ۷۸ و اغتشاشات روز عاشورای سال ۸۸ به خوبی می توان جستجو نمود.

ه: تغییر نگرش از حکومت‌های اتو پیاپی به سمت جمهوری و دموکراسی

سازمان‌ها و گروه‌های اپوزیسیون قبل از دهه ۷۰ هر کدام خود را به تنهایی آلترناتیو جمهوری اسلامی می دانستند و برای دوران بعد از سرنگونی، حکومت‌های مورد نظر خود را که ناشی از عقبه فکری آنها بود مطرح می کردند. اکثر این گروه‌ها به دنبال حکومت‌های آرمانی بودند. در نوشته‌ها و سخنان تئورسین‌های آنها یک ناکجا آباد و مدینه فاضله همیشه مطرح بود. مثلاً حزب توده به دنبال استقرار یک حکومت کمونیستی که در نهایت به سوسیالیسم ختم شود بود و تلاش می کرد مقدمات برپایی این حکومت را در ایران مهیا نماید یا سازمان راه کارگر به دنبال جایگزینی حکومت پرولتاریای کارگری در ایران بود و یا حتی گروه‌های سلطنت‌طلبان تلاش می کردند مجدداً حکومت سلطنتی در ایران برپا نمایند که در این نظام، پادشاه سلطنت کند نه حکومت.

در نتیجه تقریباً تمامی گروه‌ها و احزاب اپوزیسیون حکومت غایی مورد نظر خود را یک حکومت اتوپیاپی و حکومتی که تا کنون شکل واقعی و یا به عبارتی "واقعا موجود" را نداشته است بیان می

اپوزیسیون

نمودند. اما بعد از دهه ۷۰ و با تغییر شرایط داخلی و خارجی و تاثیرپذیری از کشورهایی که به آنجا مهاجرت کرده بودند تغییر نگرش فکری در آنها پدید آمد و به این نتیجه رسیدند که اینگونه حکومتها حداقل با شرایط کنونی کشور ما همخوانی ندارد و باید به سمت واقعیت‌ها پیش رفت لذا عنوان کردند که به دنبال حکومتی مانند همه حکومت‌های جمهوری که در غرب وجود دارد هستند، زعم خود که حداقل دموکراسی در آنها رعایت شود.

۴- علل و عوامل تغییرات در اپوزیسیون بعد از دهه ۷۰

عوامل بررسی شده در قسمت ۳ از اهمیت خاصی برخوردار است و می‌طلبد که پیرامون آن تحقیقات گسترده‌ای صورت گرفته و مسائل به صورت عمیق و ژرف مورد تدقیق موشکافانه قرار گیرد. لکن مهمتر از آن بررسی این مسئله است که چرا این تغییر و تحولات رخ داد و چگونه این گروه‌ها و سازمان‌ها این تغییرات را پذیرفتند. این چرخش ۱۸۰ درجه‌ای باعث گردید بسیاری از اصول اولیه سازمانهای مورد علاقه خود را زیر پا گذاشته و از آن چشم‌پوشی نمایند. با توجه به مطالب فوق مهمترین علل و عوامل این تغییرات را می‌توان چنین بیان نمود:

الف: تغییر شرایط بین‌المللی

با نگاه سطحی به مسائل جهانی و بررسی مختصر آن می‌توان به سادگی شرایط بین‌المللی قبل و بعد از دهه ۷۰ را احصا و تفاوت آن را با وضوح و شفافیت فوق‌العاده ملاحظه نمود. یکی از این موارد پیشرفت تکنولوژی می‌باشد. وضعیت تکنولوژی قبل و بعد از دهه ۷۰ اصلاً با یکدیگر قابل مقایسه نیست. ویدئو، فاکس، موبایل، کامپیوتر، ماهواره، تجارت الکترونیک، اینترنت، چت و گفتگو، اطاق پالتاک همه و همه از مصادیق پیشرفت تکنولوژی هستند که تا قبل از دهه ۷۰ فقط در داستانهای تخیلی قابل پذیرش بود لکن بعد از دهه ۷۰ همه آنها به واقعیت تبدیل و جزء لاینفک زندگی بشریت گردید.

واویزیون

باز از جمله این موارد می‌توان به انفجار اطلاعات اشاره نمود با پیشرفت تکنولوژی درهای اطلاعات محرمانه و غیر قابل دسترسی بر روی بشریت باز گردید. همه مردم حتی در ممالک، شهرها و روستاهای دور افتاده نیز با یک جستجوی ساده می‌توانستند به هر نوع اطلاعاتی که مورد نیاز آنها بود دسترسی داشته باشند. دیگر هیچ پدیده و اتفاقی در جهان قابل مخفی کردن نبود و در کمتر از حد تصور در تمام جهان گسترش پیدا می‌کرد. مردم جهان با دسترسی به اینترنت و ماهواره به راحتی در منازل خود می‌توانستند اطلاعات گوناگون را از اقصا نقاط جهان در برابر دیدگان خود ملاحظه کنند که تا قبل از آن برای بدست آوردن هر کدام از آنها زحمات، هزینه، وقت و عمر زیادی را باید صرف می‌نمودند.

ب: ثبات نظام جمهوری اسلامی

ذهنیت عمومی اپوزیسیون و افکار عمومی اعضا و هواداران آنها قبل از دهه ۷۰ بگونه‌ای بود که احساس می‌کردند در هر یک از مشکلات پیش روی جمهوری اسلامی امکان و درصد سرنگونی نظام بسیار بالاست و همواره بر این اعتقاد بودند که سرانجام جمهوری اسلامی در برابر یکی از این بحرانها و موانع زانو زده و سرنگونی انجام خواهد شد و آنها قدرت را در دست خواهند گرفت حتی در دهه ۶۰ که سیل مهاجرت اعضای آنها به خارج از کشور شروع گردید بر این اعتقاد بودند که مهاجرت دیری نخواهد پایید و با سرنگونی نظام، آنها ظفرمندان وارد کشور خواهند شد به همین خاطر در کشورهایی که به آنجا مهاجرت کرده بودند حالت اسکان موقت را برای خود انتخاب و بقول تنورسین‌های گروهها اپوزیسیون "چمدانهای خود را باز نکرده بودند" و این فکر و ذهنیت که به زودی نظام سرنگون خواهد شد و آنها به کشور باز می‌گردند انگیزه، پشتکار و تلاش آنها را در مبارزه با نظام دو چندان می‌کرد.

از طرف دیگر مشکلات عدیده‌ای که اپوزیسیون، استکبار جهانی و مخالفین منطقه‌ای نظام برای آن بوجود آورده بودند بازتاب یک نظام با ثبات نبود. قائله‌ها و اغتشاشاتی که در اقصا نقاط کشور بروز کرده و گروههای اپوزیسیون با حمایت قدرتهای جهانی و منطقه‌ای به آن دامن می‌زدند از قبیل قائله

اپوزیسیون

کردستان، قائله گروه‌های چپ در ترکمن صحرا، گروه‌های وابسته خلق بلوچ در جنوب شرقی کشور، بلوای گروه‌های موسوم به خلق عرب در جنوب کشور از جمله مواردی بود که اپوزیسیون برای سرنگونی نظام به آن دل خوش کرده بود.

با فروکش کردن این بحرانها جنگی ویرانگر با حمایت اکثریت قریب به اتفاق کشورهای اروپایی با سردمداری ایالات متحده آمریکا و چشم پوشی اتحاد جماهیر شوروی بر نهال نو پای انقلاب اسلامی تحمیل گردید. این جنگ بقدری اپوزیسیون را با توهم سرنگونی برسر شوق آورد که سازمان منافقین یعنی حرفه ای ترین سازمان تشکیلاتی اپوزیسیون را وادار کرد در کشور متخاصم یعنی عراق و در نزدیکی های مرز ایران اردو زده تا به محض سرنگونی نظام اولین گروه از اپوزیسیون باشد که وارد کشور می گردد. علاوه بر همه این موارد وضعیتی بود که نظام در عرصه بین المللی با آن روبرو بود با کار شکنی دولتمردان اروپایی و آمریکایی و لابی قدرتمند صهیونیست ها در مجامع بین المللی نظام از دستیابی به کرسی های بین المللی و عرض اندام در این سازمانها به دور مانده بود.

از طرف دیگر اپوزیسیون بر این باور بود که اگر با هیچ یک از این عوامل سرنگونی نظام تحقق نیابد با توجه به کهولت سن رهبری نظام که به عنوان ستون اصلی استواری آن در برابر مشکلات بود به زودی این رهبری را از دست خواهد داد و جنگ قدرت در درون کشور شروع و در نهایت سهولت خواسته آنها یعنی سقوط نظام جامه عمل به خود خواهد پوشید. با شروع سالهای ابتدایی دهه ۷۰ نظام به سلامت از همه این دشواری ها عبور کرده بود بحرانها مهار، جنگ طلبان در رسیدن به اهداف خود ناکام، جانشین قدرتمند رهبری انتخاب و نظام در عرصه بین المللی به یک بازیگر تأثیر گذار تبدیل شده بود. همه این رویدادها یأس و ناامیدی اپوزیسیون را به دنبال داشت. اسکان های موقت به دائمی و چمدان های بسته باز گردید. تأثیر این عوامل بقدری عمیق بود که بسیاری از سازمانها و گروه‌های

واوژیسیون

اپوزیسیون شعار سرنگونی را از صدر و ذیل اطلاعیه‌ها و شاه‌بیت سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و مقالات خود حذف نمودند.

ج: مدیریت مناسب اپوزیسیون توسط دستگاه‌های ذی ربط

با بررسی انقلابات مردمی که در کشورهای مختلف دنیا روی داده‌پی به چگونگی برخورد انقلابیون با اپوزیسیون خود خواهیم برد. انقلاب بلشویکها در روسیه، انقلاب جمهوریخواهان در فرانسه، انقلاب کمونیستی مائو در چین و یا انقلاباتی که در دهه‌های گذشته تحت عنوان انقلابات مخملی در کشورهای گرجستان، لهستان، لیتوانی، اوکراین و ... روی داد با مختصر تحقیق و تفحص در سرگذشت آنها یک نکته به خوبی بدست خواهد آمد و آن اینکه همه این انقلابات با توجه به نو پا بودن آنها به شدت با اپوزیسیون خود برخورد کردند و به صورت مبالغه آمیزی آنها را از مواهب شهروندی و اجتماعی محروم و با قوه قهرآمیز فعالین و کادرهای اصلی و فرعی آنها را روانه جوخه‌های اعدام، زندانهای طولانی و تبعیدهای گوناگون کردند. کافی بود یک نفر از اعضای یک خانواده عضو و یا حتی مشکوک به فعالیت در یکی از سازمانهای اپوزیسیون باشد تمامی اعضای خانواده با محرومیت‌ها و آزار و اذیت‌های گوناگون روبرو می‌گردیدند. این مسئله بقدری با شدت و حدت اعمال می‌شد که اعتراض شدید سازمانها و گروههای حقوق بشری را (که در ابتدا حامی این انقلابها بودند) به دنبال داشت.

اما در انقلاب اسلامی ایران دستگاههای ذی ربط امر اپوزیسیون علی‌رغم جوان بودن، نداشتن هیچگونه آموزش خاص و حرفه‌ای، مرتبط نبودن با هیچ یک از سرویسهای اطلاعاتی رایج در دنیا، فقط و فقط بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام و با سعه صدر تمام و تسامح و تساهل وصف ناپذیر بد اخلاقی‌ها و هنجار شکنی اپوزیسیون را تا زمانی که سلاح در دست نگرفته بودند و به ترور و قتل

اپوزیسیون

دست نزده بودند تحمل کردند و بعد از مقابله و سپس تسلیم با مدارا با آنها رفتار نمودند که این مسئله تأثیر شدیدی بر اعضا و هواداران این گروه‌ها که اندک تعقل و علاقه ای به کشور و مردم خود داشتند، گذاشت تا آنجا که بسیاری از آنها از مبارزه و رویارویی با نظام دست کشیده یا به صف مردم علاقمند به انقلاب اسلامی پیوستند و یا به زندگی عادی خود برگشتند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی سال ۵۷ ملت شریف ایران به رهبری قائد اعظم حضرت امام خمینی (ره) بر پایی حکومتی بر پایه شریعت و احکام اسلام به دور از هر گونه آزادی ساختگی و تصنعی به شیوه لائیسزم، بی دینی و دموکراسی غربی و یا شرقی پایه ریزی نمودند.

برهمن اساس مردم مسلمان ایران با اعتقاد به اسلام و مرجع دینی و ولی فقیه به چنین حکومتی رأی قاطع داده و با شناخت کامل خود از اسلام و ولایت فقیه، رأی به جمهوری اسلامی دادند. در این انتخاب از بر گزیدن هر شخص یا فردی با هر گونه گرایش به رژیم ظالم و پوسیده پهلوی و افراد وابسته به گروه‌ها و سازمانها با گرایش غیر مذهبی و کمونیستی و نیز سازمانهایی با افکار آمیخته و التقاطی با کمونیسم و چپ، خودداری نمودند.

این انتخاب و رأی به جمهوری اسلامی و نیز ادامه راه مردم باعث مخالفت برخی از گروه های یاد شده و یا برخورد مسلحانه آنان با جمهوری اسلامی گردید، که به نام برخی از آنان اشاره می شود. در این بحث از آنان به عنوان گروه‌های راست و چپ و التقاط نام برده خواهد شد.

الف: گروه‌های راست :

این دسته در ردیف گروه‌های سیاسی با اعتقاد و مشی راست قرار گرفته و از نظر عقیدتی و اقتصادی به کمونیسم گرایش نداشته و در زیر شاخه گروه های چپ قرار نمی گیرند.

سلطنت طلبها "

مشروطه خواهان: این گروهها در حال حاضر به رهبری فواد پاشایی و بهزاد فراهانی در اروپا فعالیت دارند.

مشروطه خواهان ملی: گروهی جدید بوده متشکل از حزب مشروطه خواه ، رضا پهلوی ، برخی ساواکیها و بخشی از صاحب منصبان فراری مانند ارتشبد آریانا و برخی از اعضای انجمن پادشاهی ایران.

گروه منحلہ درفش کاویانی : این گروه در اروپا سالها به رهبری هوشنگ انصاری علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، به مبارزه پرداخته و در حال حاضر با این نام فعالیت ندارد.
گروه منحلہ بختیار (نهضت مقاومت ملی) :

این گروه نیز به رهبری شاپور بختیار ، آخرین نخست وزیر رژیم منفور پهلوی سالها در فرانسه به مبارزه علیه جمهوری اسلامی ایران پرداخت و از سال ۱۳۷۰ و با قتل وی در پاریس به طور کلی از فعالیت علیه نظام باز ایستاد.

گروه تندرمدعی و طرفدار پادشاهی بوده ولی معتقد به فردی لایق و به غیر از رضا پهلوی می باشد. فرد ایرانی ، شجاع و از سلاله پاکان مانند کلیساها یا روزبهان یعنی زنان و مردان مبارز در زمان هخامنشیان و معتقدند روزی یکی از این افراد لایق در ایران به پادشاهی خواهد رسید.

این گروه انفجار ۸۷/۱/۲۴ در حسینیه شیراز را که منجر به شهادت برخی از هم وطنانمان گردید و نیز انفجار در هتل جهان تهران را که منجر به کشته و دستگیری دو تن از آنان گردید ، در کارنامه ننگین خود دارد.

این گروه جزء برجسته ترین گروهها در بین گروههای راست می باشد.

پوزسیون

غیر سلطنت طلبها:

الف: نهضت آزادی:

در سال ۱۳۴۰ با انشعاب مرحوم مهندس بازرگان و یدالله سحابی از جبهه ملی ایران بوجود آمد و یکی از گروه‌های مخالف رژیم پهلوی بوده، پس از انقلاب در پی اختلاف در مواضع اقتصادی، عزت‌الله سحابی از آنان جدا شده و گروه فعالان ملی مذهبی را در داخل کشور تشکیل داد. در حال حاضر بخشی از آنان در خارج کشور فعالیت داشته که افراد سرشناس نیستند.

ب: گروه‌های چپ

این گروه‌ها در مسائل اعتقادی به ماتریالیسم و ماده اعتقاد داشته و در مشی سیاسی عمدتاً مارکسیست لنینیست بوده و در زیر شاخه گروه‌های کمونیستی و الحادی و با عدم اعتقاد به خدا به پروردگار متعال و خالق هستی قرار دارند.

حزب توده ایران:

این حزب در زمان حکومت پهلوی و با هدف تأمین منافع شوروی سابق در ایران تأسیس و علی‌رغم اعتقاد به مارکسیسم و ماتریالیسم و طرفداری از رژیم شوروی سابق، پس از انقلاب اسلامی ایران مشی خود را با زیرکی و منافقانه، پیروی از امام (ره) و در عین حال و همزمان، جاسوسی به نفع شوروی قرار داد.

اعضای اصلی آن عبارت بود از:

نورالدین کیا نوری (فوت شده)، ایرج اسکندری (فوت شده)، کامبخش، محمد علی عمویی (بریده و ساکن در ایران)، احسان طبری (بریده و در ایران فوت شد)، علی خاوری و علی خدایی.

واوژیسون

پس از ضربه سال ۶۲-۶۱ به حزب توده در ایران اعضای اصلی آن مثل بابک امیر خسروی ، فریدون آذرنور ، فرهاد فرجاد، علی خاوری و علی خدایی به آذربایجان ، شوروی و شهر باکو گریخته و بعدها و پس از فروپاشی شوروی اکثراً به اروپا مهاجرت نموده و به دو دسته تقسیم شدند.

دسته اول:

این افراد بر مرام حزب توده باقی مانده ، افرادی مثل علی خدایی و علی خاوری که حزب توده خارج از کشور را در آلمان تشکیل دادند.

دسته دوم:

حزب دموکراتیک مردم ایران را تشکیل داده ، افرادی مانند بابک امیر خسروی و فرهاد فرجاد و محسن حیدریان که در حال حاضر در آلمان بسر می‌برند.

چریک های فدایی خلق ، اکثریت :

این گروه که از نظر خط مشی از حزب توده پیروی می نمودند با مشی مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ایران مخالف بوده و بخشی از آنان با نام چریک های فدایی خلق ، اقلیت در سال ۶۲-۶۱ از اکثریت اتشعاب نموده و مشی مسلحانه علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران به رهبری اشرف دهقان و خلیل توکلی در پیش گرفتند . در حال حاضر این افراد فعال بوده و در آلمان به سر می‌برند.

سازمان انقلابی راه کارگر:

این گروه از نظر اعتقادی به ماتریالیسم و ماده معتقد بوده و از نظر مشی سیاسی دارای مشی لینینیسم می باشد . در حال حاضر در کشور آلمان به فعالیت نرم افزاری و غیر مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی ایران پرداخته و مهمترین آنان عبارتند از : فرخ نگهدار ، ملیحه محمدی ، خسرو فتاپور ، بهزاد تقوی .

پوزیسون

حزب منحلہ دموکرات و کومله :

به لحاظ فعالیت در زیر شاخه گروه های قومی قرار گرفته و با مشی مسلحانه و با گرایش جدایی کردستان ایران و خدشه دار نمودن تمامیت ارضی کشور فعالیت می نمودند به لحاظ خواستگاه فکری چپ بوده و بیشتر به دنبال مسائل تجزیه قومی و وابستگی به عراق بودند.

گروههای جدید:

۱- مشروطه خواهان ملی متشکل از :

مشروطه خواهان سنتی

برخی صاحب منصبان فراری رژیم گذشته

برخی از ساواکی های فراری

۲- جمهوری خواهان لائیک متشکل از :

حزب توده و راه توده در خارج از کشور

بخشی از افراد چپ منفرد به مارکسیسم لیننیسم

گروه راه کارگر :

که در حال حاضر در آلمان فعال می باشند.

اتحاد جمهوری خواهان یا سازمان جمهوری خواهان ایران متشکل از :

چریک های فدایی خلق اکثریت

حزب دموکراتیک مردم ایران (بابک زهرایی ، امید خسروی)

سازمان حزب جمهوری خواهان (حسن شریعتمداری ، بیژن حکمت، مهران برائی)

واوژیسمون

این اتحاد که در حال حاضر به عنوان اصلی‌ترین جناح چپ معاند جمهوری اسلامی ایران محسوب گردیده و در عرض چهار سال گذشته سه نشست کاری در اروپا برگزار نمود.

سال ۱۳۸۲ در برلین که به نشست برلین معروف شد و حدود ۱۱۰۰ نفر شرکت کردند .

سال ۱۳۸۴ در بروکسل که به نشست بروکسل معروف شد و حدود ۶۰۰ نفر شرکت کننده داشت.

سال ۱۳۸۶ در پاریس که به نشست پاریس معروف گردید و حدود ۱۰۰ نفر شرکت کننده داشت.

شایان ذکر است که در سال ۱۳۸۲، ۱۱۰۰ نفر شرکت کننده شامل اعضای اصلی و هواداران حزب بوده

ولی در سال ۱۳۸۶ هزار نفر از هواداران و نفرات کم شدند و صد نفر باقی مانده فقط اعضای اصلی

حزب بودند.

ج: گرو التقاط

سازمان مجاهدین خلق ایران (منافقین)

(Mojahdin khalgh organization (MKO

در سال ۱۳۴۴ شمسی سه تن از اعضای جوان نهضت آزادی ایران به نام محمد حنیف نژاد، سعید

محسن و علی اصغر بدیع زادگان که افرادی انقلابی، مسلمان و تحصیل کرده بودند از این نهضت به

دلیل مبارزه صرفاً فرهنگی و نرم افزاری نهضت با رژیم پهلوی جدا شده و تا زمانی تحت عنوان

مجاهدین خلق ایران با عقاید اسلامی و معتقد به مبارزه و مشی مسلحانه با رژیم پهلوی تأسیس نمودند

. مهمترین دلایل گرایش سازمان به عقاید مارکسیستی را می توان ذیلاً چنین برشمرد:

این افراد در زمان تأسیس برخی از منابع مطالعاتی خود را از میان کتب چپی با اعتقاد به مارکسیسم

لنینیسم انتخاب نموده و نیز از پذیرش اعضای جدید با اعتقادات چپ به عنوان عضو اصلی ابائی

نداشتند.

اپوزیسیون

این دو عامل اصلی است که سازمان از عقاید اسلامی به سمت عقاید چپ‌گرایش پیدا کرد و با عنوان مارکسیست‌های اسلامی خوانده شدند. همین دو عامل باعث شد تا هدایت سازمان مجاهدین خلق در سالهای ۵۰ الی ۵۴ که دستخوش ضربه از سوی ساواک شده بود و یازده تن از سران آنها در زندان اعدام شدند به دست نفرات چپ سازمان مثل شهرام و بهرام آرام افتاد و این افراد پس از یک سری تسویه حساب درون سازمانی که منجر به شهادت بخش مسلمان سازمان مانند شهید مجید شریف واقفی و مرتضی صمدی لباف شد. در سال ۱۳۵۴ رسماً اعلامیه تغییر ایدئولوژیک سازمان از اسلام به مارکسیسم را صادر نموده و بدین ترتیب سازمان عملاً و علناً وارد مبارزه با رژیم پهلوی با عقیده مارکسیستی و مشی لیننیستی گردید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری قائد اعظم حضرت امام خمینی (ره) در بهمن ۵۷ و باز شدن درب زندان‌ها توسط مردم شهید پرور ایران، یکی از اعضای مرکزیت قبلی سازمان که به دلیل همکاری با ساواک در زندان و لو دادن اطلاعات هم‌زمان خود به سازمان امنیت شاه، از مجازات اعدام‌رہایی یافته و به حبس ابد محکوم شده بود، به نام مسعود رجوی از زندان گریخته و با تصور و هوای ریاست در نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران به عضو‌گیری و سازماندهی سریع و مجدد نفرات جدید این سازمان در تهران و دیگر شهرهای کشور پرداخت.

این روند تا سال ۱۳۵۹ ادامه داشت و از اوائل این سال که وی برای خود و عقاید و سازمانش میان مردم مسلمان ایران جایی نیافت و در چندین انتخابات و رأی‌گیری مجلس و ریاست جمهوری اسلامی ایران رأیی نیاورد، نهایتاً در سال ۱۳۶۰ با اعلام جنگ مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ایران عملاً وارد فاز نظامی شد.

رجوی پس از ورود به فاز نظامی، با هم‌پیمانی با رئیس‌جمهور مخلوع ایران بنی‌صدر و با هواپیمای اختصاصی شاه به خلبانی سرهنگ معزی خلبان شاه به پاریس فرار نمود و در آنجا با همکاری احزاب

واوژیسون

منحله ایران مثل دموکرات، کومله، برخی بقایای رژیم گذشته، برخی از خواننده های رژیم گذشته و بعضی از ورزشکاران رژیم شاه، اقدام به تأسیس سازمانی تحت عنوان شورای ملی مقاومت ایران نمود.

شورای ملی مقاومت ایران:

(National Council Resistance of Iran (NCRI

در داخل کشور مبارزه علیه جمهوری اسلامی ایران را با ترورهای کور و بی هدف افراد طرفدار جمهوری اسلامی ایران به جرم طرفداری و مسلمان بودن ادامه داده که بر اساس آمار منجر به شهادت بالغ بر ۱۶۰۰ نفر از هموطنانمان گردید و نهایتاً در اروپا با مرکزیت فرانسه به مبارزه علیه جمهوری اسلامی ایران ادامه داده و در سال ۶۴-۶۵ با انتقال بدنه اصلی سازمان با گرایش نظامی به عراق و همکاری با صدام حسین، به تشکیل ارتشی با هدف نابودی جمهوری اسلامی ایران در پادگانی بنام اشرف در ۹۲ کیلومتری شمال شرقی بغداد، استان دیالی عراق، مستقر گردیده و نام خود را ارتش آزادیبخش ملی نهادند.

ارتش آزادیبخش ملی:

(National Liberation Army (NLA

این به اصطلاح ارتش چند روز پس از پایان جنگ و دفاع مقدس رزمندگان از میهن و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی جمهوری اسلامی ایران با استعداد نفراتی بالغ بر ۴۵۰۰ نفر از اعضای آموزش دیده در پادگان اشرف و چند صد دستگاه تانک زره پوش و خودروی نظامی و نیز پشتیبانی هوایی عراق در تاریخ پنجم مرداد ماه سال ۱۳۶۷ از طریق مرز زمینی خسروی در غرب کشور وارد خاک جمهوری اسلامی ایران شده و با هدف و قصد اشغال ۴۸ ساعته تهران از شهرهای قصرشیرین، سرپل ذهاب، کردند غرب و اسلام آباد گذشته و با قتل و جنایت و به شهادت رساندن هموطنان غرب کشور، از این

اپوزیسیون

شهرها عبور نمودند. در مسیر حرکت به سوی شهر کرمانشاه در تنگه ای استراتژیک به نام محلی چهار زیر و به طور معجزه آسایی توسط رزمندگان اسلام متوقف گردیده و با دادن تلفات سنگین در این تنگه که به مرصاد (یا کمینگاه) معروف گردید، پس از دو روز با خفت و خواری و قبول شکست قاطع به عراق باز گشتند.

در بازگشت مفتضحانه آنان به عراق مسعود رجوی که خیال واهی فتح دو روزه تهران و رهبری کشور را در سر داشت، پس از ناامیدی کامل از چنین پیروزی خیالی، به نفرات خود اتهام کوتاهی در جنگ را به دلیل وابستگی آنان و داشتن علاقمندی های خانوادگی و علقه های شخصی وارد نمود و داستان طلاق های اجباری را با رنگ و لعاب انقلاب ایدئولوژیک برای اقدام عملی در سازمان دستور داد. پس از اعلام انقلاب ایدئولوژیک نیز با اعلام دستور ریاست و هژمونی زنان در سازمان، آنان را به دلیل تبعیت بیشتر از خود نسبت به مردان در مصادر اصلی سازمان بکارگیری نمود و شخصاً ازدواج با همسر یکی از نفرات اصلی سازمان یعنی مهدی ابریشم چی خود رهبری سازمان را به عهده گرفت و مریم قجر عضدانلو از آن پس به نام مریم رجوی معروف گردید و با انتقال بدنه غیر نظامی سازمان به اروپا، مقر اصلی خود را در شهر اورسورواز، در حومه پاریس قرار داد.

بدین ترتیب سازمان مجاهدین خلق MKO و نیز NCRI در عراق با رهبری مسعود رجوی و نیز ارتش آزادیبخش ملی NLA به ریاست فردی به نام مهوش سپهری در پادگان اشرف عراق و MKO در پاریس به ریاست مریم رجوی به فعالیت خود ادامه داد.

در خرداد ماه سال ۱۳۸۲ (۱۷ ژون ۲۰۰۳) پلیس امنیتی فرانسه با کمک ۱۲۰۰ نفر از نیروهای پلیس شهری به مقرهای منافقین در اور حمله برده که ۱۶۵ نفر دستگیر و حدود یکصد دستگاه کامپیوتر به همراه مبلغی بالغ بر ده میلیون دلار از آنان ضبط گردید.

واوژیسون

منافقین با هدف تحت فشار قرار دادن سیستم قضایی فرانسه و آزادسازی مریم رجوی اقدام به اعمال خشونت آمیز خود امحایی و خود سوزی در پایتخت کشورهای اروپایی نموده که از میان حدود ۱۶ نفر که اقدام به خود سوزی نموده با یک تراژدی انسانی ، تعداد دو نفر به نام های صدیقه مجاوری ۴۰ ساله و ندا حسینی ۱۹ ساله جان باختند و دنیای غرب هر چه بیشتر با ماهیت فرقه گونه و خطرناک این گروه تروریست آشنا گردیده ، به همین علت نام سازمان منافقین در اکثر کشورهای اروپایی وارد لیست سازمان های تروریستی گردید. فرقه گونه به دلیل این که حالت مرید و مراد دارد.

نهایتاً سیستم قضایی فرانسه مریم رجوی را به حبس خانگی و عدم خروج از محل زندگی محکوم نمود که این حکم در سال ۲۰۰۸ توسط قاضی معروف و کارشناسی ضد تروریست فرانسه ، ژان لویی بروگر ، لغو و مریم رجوی به فعالیت های عادی سیاسی خود بازگشت و ملاقات های خود را به عنوان رئیس جمهور شورای ملی مقاومت ایران ، با نمایندگان مجالس های کشورهای اروپایی و پارلمانترهای آمریکایی و دیگر شخصیت های سیاسی حقوقی دنیا از سر گرفت.

لازم به ذکر است تعداد نفرت منافقین در پادگان اشرف در عراق حدود ۱۴۰۰ نفر بوده که پس از خلع سلاح کامل آنان توسط نیروهای آمریکایی ، بسیار منفعل شده و از سر ناچاری فقط به تمرین موسیقی و خوانندگی مشغول بوده و دولت عراق تصمیم به خروج آنان از کشورش گرفته است. در کشورهای اروپایی ، آمریکا ، کانادا و استرالیا رقمی نزدیک به ۱۲۰۰ نفر عضو و هوادار داشته که این افراد گزارش فعالیت های روزانه خود را اعم از جمع آوری های مالی (گدایی سیاسی) و تبلیغات ضد نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران روزانه از طریق نامه های الکترونیک و با رعایت سلسله مراتب سازمانی به مقر سازمان در اور ، جهت ملاحظه و تصمیم رئیس سازمان ، مریم رجوی ارسال می دارند.

اپوزیسیون

لازم به ذکر است در سالهای اخیر تعدادی از نادمین سازمان بالغ بر ۷۰۰ نفر به دامان جمهوری اسلامی ایران و به جمع گرم خانواده های خود باز گشته و در ایران ، انجمن خود جوش با نام انجمن نجات با

تمرکز فعالیت علیه سازمان منافقین تشکیل دادند. www.nejatngo.org

از این سازمان می توان به عنوان یکی از اصلی ترین گروه های معاند جمهوری اسلامی ایران نام برد که دارای عده و عده بسیار زیادی بوده و نسبت به دیگر گروه های معاند خطر جدی تری برای کشور محسوب می گردد. بنا بر اخبار نسبتاً تایید شده ، در حال حاضر مسعود رجیبی در حصر خانگی محترمانه بدون ملاقات ، در آمریکا بسر می برد . در صورت صحیح بودن مطلب اخیر به نظر می آید شاید وی را برای استفاده در زمان لازم و مورد نظر نگه داشته اند.

سایت عکس های خود سوزی و فیلم دستور آتش مریم رجوی و دیدار مسعود رجوی با صدام :

www.irandidban.com

www.iran-interlink.com

www.habilian.com

منابع مالی MKO :

مالی کاری : جمع آوری اعانه از طریق نشان دادن عکس های اعدامی های مواد مخدر در معابر عمومی کشورهای دیگر و وانمود کردن به نقض حقوق بشر در ایران توسط رژیم در اعدام انقلابیون (و به عبارتی گدایی سیاسی) ، اقدام می نمایند .

کار تجارتي : انجام فعالیت های تجاری از طریق شرکت های متعلق به سازمان و بردن سودهای کلان (مثل خرید روغن از برزیل و فروش آن به پاکستان)

واوژیسون

پرستاری : نگهداری از شهروندان مسن اروپایی و آمریکایی تا زمان مرگ آنها و بالا کشیدن ثروت آنها پس از مرگشان از طریق اخذ وکالت نامه از آنها در زمان حیاتشان برای تصاحب ارثیه آنان.

برنامه نفت در برابر غذا (oil for food programme)

برنامه ای که طی آن سازمان ملل در زمان صدام و تحریم عراق به این کشور برای جلوگیری از فقر و گرسنگی اجازه فروش مقداری محدود از نفت را به صدام داد و سپس (اعطای ۲۵ میلیون بشکه نفت از سوی صدام به سازمان و فروش آن به مبلغ حدود ۴۰ میلیون دلار توسط سازمان و تصاحب این مبلغ) کتابهایی که در این مورد موجود است :

کتاب از نهضت آزادی تا مجاهدین ،خاطرات لطف الله میثمی

کتاب آنها که رفتند ،خاطرات لطف الله میثمی

-نشریه ای بنام چشم انداز ایران داده و کتاب سازمان مجاهدین خلق پیدایی تا فرجام و کتاب برفراز

خلیج فارس